

نظر یک تاریخ دان درباره سریال «معمای شاه»

۳ بهمن ۱۳۹۴ ساعت ۲۰:۲۸

البته، به سریال «معمای شاه»، و اصولاً صنعت فیلم و سریال در ایران، انتقادهای جدی می‌توان وارد کرد که یکی از مهمترین آن‌ها ضعف در تدوین درام و داستان است.

عبدالله شهبازی در کانال تلگرام خود نوشت: به دلیل تبلیغات منفی وسیعی که علیه سریال «معمای شاه» شده کنجکاو شدم و تاکنون سه قسمت آن را با دقت نگاه کرده‌ام. در مجموع، در مقایسه با سریال‌های ایرانی و با استانداردهای ایران، بنظرم خوش ساخت و جذاب است. نسبت به کارهای قبلی آقای ورزی بسیار بالاتر است. در برخی زمینه‌ها مانند گریم واقعاً برجسته است. از نظر انطباق با تاریخ کم و بیش مستند است. بطور عمده بر خاطرات ارتشبد حسین فردوست مبتنی است که منبع منحصر بفرد و معتبری برای شناخت شخصیت و زندگی محمدرضا شاه و اسرار دربار پهلوی به شمار می‌رود. در مواردی نیز بر اسنادی مبتنی است که در سالهای اخیر آشکار شده مانند نقش گئورگ وارطانیان جاسوس برجسته شوروی در زمان کنفرانس تهران که قبلاً کسی از آن مطلع نبود.

به گمانم، تبلیغات منفی از سوی کانون‌های معین شروع شد و به آن دامن زده شد و هر کسی از ظن خود، یعنی با انگیزه‌های متفاوت، حمله تبلیغاتی به این سریال را شروع کرد. تا آنجا که پرس و جو کرده‌ام بازتاب سریال در جامعه وسیع بوده و مخاطبان زیادی دارد. یکی از علل حملات و تخریب‌ها باید همین گستره وسیع بینندگان باشد.

تاکنون موفق نشدم تمام قسمت‌ها را ببینم. اما در مورد قسمت‌هایی که دیده‌ام نظرم را می‌گویم: صحنه دیدار رضا خان میرپنج با اردشیر ریپورتر در قزوین در زمان کودتای ۱۲۹۹ کاملاً منطبق است با خاطرات اردشیر ریپورتر که ترجمه فارسی آن با دستخط پسرش سر شاپور ریپورتر در مراکز اسناد ایران موجود است و در صحت مندرجات آن هیچ شکی نیست. صحنه نیز خیلی خوب ساخته شده و می‌تواند به صورت کلیپ مستقل مورد استفاده قرار گیرد.

بعضی انتقادات مطرح شده از جمله اینکه که چرا رضا شاه وزرا را میزند و غیره. شخصیت واقعی رضا شاه همین بود که می‌بینیم. اگر کسی به منابع رجوع کند می‌بیند که رضا شاه در رفتار شخصی هتاک و بددهن بود و زدن رجال برایش کاملاً عادی بود. یک نمونه کتک زدن سید اسدالله خرقانی است که در زمان جنگ با محمدعلی شاه در بیت مرحوم آخوند خراسانی، مرجع بزرگ وقت در عتبات، نفوذ فراوان داشت و به محافل مخفی تجددگرای افراطی و ماسون‌های لژ بیداری ایران خیلی خدمات فراوان کرد از

طریق القاء نظرهایش و حتی جعل نامه با مهر مرحوم آخوند. رضا شاه حتی چنین آدمی را کتک می‌زند.

در مورد حرص و آز مالی رضا شاه و خصوصیات اخلاقی فردی او تا آنجا که دیدم منطبق با منابع است. منابع در این زمینه کم نیست از جمله خاطرات رجال و مطلعین دوران رضا شاه که خلق و خوی او را نشان میدهد. کافی است به دوره مجلات و روزنامه‌های سال‌های پس از شهریور ۱۳۲۰ تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ مراجعه کنیم تا با خلق و خو و رفتار خانواده پهلوی از جمله خصوصیات فردی علیرضا و اشرف پهلوی آشنا شویم.

در مجموع سریال را با استانداردهای ایران خوب و مفید ارزیابی می‌کنم بخصوص برای نسل جوان که با آن زمان آشنایی ندارد. تفاوت شخصیت قوام‌السلطنه، بعنوان رجلی مستقل از شاه، با بسیاری از رجال دوران پهلوی کم و بیش درست تصویر شده. استفاده از فیلم‌های مستند دوران اشغال ایران توسط متفقین نیز کمک زیادی کرد تا صحنه‌های فقر جامعه در آن زمان بهتر نشان داده شود.

در مورد پرون و نزدیکی او با فوزیه، شاید می‌شد ظریف‌تر شخصیت پرون را ساخت. ولی در دو مسئله تردید نیست: یکی هموسکسوال بودن پرون و دیگری روابط نزدیک او با رابین زینر، افسر اطلاعاتی بریتانیا در تهران و رابط پرون که بعدها استاد ادیان در آکسفورد شد و او نیز هموسکسوال بود. ارتشبد فردوست در مورد نوع رابطه شخصی محمدرضا شاه با پرون می‌نویسد:

«رفتار پرون با محمدرضا بی‌پروا و بسیار زننده شده بود. گاه با همین صراحت به محمدرضا می‌گفت: «تو ارزش نداری که من با تو صحبت کنم!» اوایل من انتظار داشتم که محمدرضا در مقابل چنین توهینی خجالت بکشد و دستور دهد که او را سوار هواپیما کنند و به سوئیس بفرستند؛ ولی با تعجب می‌دیدم که محمدرضا سکوت می‌کرد و گاه تنها چند روزی قهر می‌کرد.»

تصویری که در ذهن نسل انقلاب از محمدرضا شاه حک شده، شاه مقتدر دوران رونق نفتی سالهای ۱۳۵۰ است. توجه کنیم که سریال تاکنون دربار فروپاشیده محمدرضا شاه در سالهای اولیه پس از سقوط رضا شاه را ترسیم میکند. این تصویر خیلی متفاوت است با تصویری که مثلاً از دربار بریتانیا یا هلند در ذهن داریم. توجه کنیم که در آن زمان برای فوزیه نیز خاندان سلطنتی ایران عقب‌مانده جلوه می‌کرد. او که پرورش یافته دربار خاندان پاشاهای مصر بود به سختی می‌توانست فضای خانوادگی محمدرضا شاه و دربار ایران را تحمل کند.

البته، به سریال «معمای شاه»، و اصولاً صنعت فیلم و سریال در ایران، انتقادهای جدی می‌توان وارد کرد که یکی از مهمترین آن‌ها ضعف در تدوین درام و داستان است. ضعف فیلمنامه‌نویسی ناشی از ضعف عمومی داستان و رمان‌نویسی در ایران است. و خیلی انتقادهای دیگر که ترجیح می‌دهم در فضای کنونی مطرح نکنم. در زمان مناسب می‌توان به شکل تخصصی به اینگونه انتقادات پرداخت که قطعاً برای رشد فیلم‌ها و سریال‌های تاریخی لازم و مفید خواهد بود.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/35498/شاه-معماي-سريال-درباره-دانش-تاريخي-يک-نظر>